

رویکرد به آینده در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران؛ درآمدی بر آینده‌نگاری توسعه علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران

محمدحسین فتاحیان*

محمدرحیم عیوضی**

چکیده

افق بلند مکتب فکری انقلاب اسلامی؛ چارچوبی مطلوب برای تثبیت و تحکیم پایه‌های ارزشی آینده جامعه اسلامی دارد. انقلاب اسلامی در صدد زمینه‌سازی تجدید عظمت تمدن جهان شمول اسلام است. و از این نگاه آینده انقلاب اسلامی یعنی بازسازی تمدن فراموش شده اسلامی در جهان امروز. آینده مطلوب جمهوری اسلامی؛ تحولات عمیق فکری درمسایلی چون هویت‌یابی، استقلال‌طلبی، مدیریت، سیاست، فرهنگ، اخلاق، شناخت و ترویج ارزش‌های اسلامی در ایجاد تحول روحی در سطح جامعه است. نگاه به آینده مطلوب را باید در پیام انقلاب اسلامی در احیای دین‌داری و تفکر اسلامی در سطح جهان جستجو کرد. از دیدگاه امام و رهبری فردای بهتر در بازگشت به اصالت‌های انسانی و احیای اخلاقیات فراموش شده‌ی امروز جامعه جهانی است. و نظام جمهوری اسلامی باید به عنوان یک جامعه دینی پویا دستیابی به چنین آینده‌ای را وجهه همت خود قرا دهد.

کلید واژه‌ها: آینده‌نگاری، اسناد بالادستی، علم و فناوری، تربیت، تولید علم

* دانشجوی دکتری گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه معارف

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

بیان مسأله

آینده‌نگاری، فرایندی است نظام‌مند، مشارکتی و پشتیبانی‌کننده از تصمیم‌سازی بلندمدت که مشتمل بر درک، شناسایی، ارزیابی و پایش دستاوردها و فرصت‌های آینده‌ی حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری است که سودمندترین تأثیرات اقتصادی را برای جامعه خواهند داشت (در تعریف آینده‌نگاری ر.ک: یونیدو، ۲۰۰۵؛ ووندل بل، ۲۰۰۳؛ و میشل گوده، ۲۰۱۱). و از سوی دیگر؛ آینده‌نگاری به مثابه‌ی یک دانش می‌تواند همانند دیگر دانش‌ها با قرار گرفتن در مسیر تحقق اهداف یک جامعه‌ی دینی به اسلامی بودن متصف شود... (محسن الویری، ۱۳۹۲).

آینده‌پژوهی اسلامی که از همه‌ی نو یافته‌های بشری بهره می‌گیرد متأثر از آموزه‌های اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که البته تفصیل آن از مجال این مقاله خارج و مجال دیگری می‌طلبد. منظور از اسناد بالادستی، اسنادی است که به تصویب بالاترین مرجع قانون‌گذاری رسیده است و جنبه قانونی دارد. این اسناد باید جهت‌دهی محور برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور به منظور پیشرفت همه جانبه قرار گیرد. در اینجا اسناد بالادستی از جمله؛ مبانی دینی، قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و رهنمودهای رهبری، سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه به‌ویژه چهارم و پنجم موردنظر است. بر این مبنا رویکرد به آینده را در دین اسلام، قانون اساسی و نگاه رهبری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«آینده» در دین مبین اسلام واژه‌ای جامع و عمیق است که هم به زندگی دنیوی و هم زندگی اخروی اشاره دارد. از جمله دلایل اهمیت توجه به فرهنگ دینی به مباحث آینده‌پژوهی، می‌تواند درک بهتر ارزش‌های آینده‌مدار فرهنگ دینی باشد (بهروزلک، ۱۳۹۰) و از سوی ایران طلایه‌دار حرکت اسلامی عصر جدید در جهان اسلام است. با نگاه به آینده و نقشی که جامعه اسلامی و انقلاب در این عرصه دارد، به‌علاوه دغدغه‌ها و مسایل بنیادین و راهبردی انقلاب اسلامی در جهان معاصر، و مبنی بر اینکه هر تمدن و فرهنگی روایت خاص خود از آینده‌پژوهی دارد. در این زمینه ایران اسلامی و انقلابی به‌ویژه فرهنگ شیعی حرف و نگرش‌های آینده‌اندیشانه قابل توجهی در جهان امروز دارد. «ماهمه انتظار فرج داریم و باید در انتظار خدمت کنیم، انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است» (امام خمینی). مهم‌ترین عملکردی که برخلاف تحجر و در جازدن به ارتقا، رشد و نوآوری گرایش پیدا می‌کند؛ متکی بر "آینده‌نگاری راهبردی" است که با خروج از انفعال و با توجه به اختیار و اراده بشری که خدا به در او به ودیعت گذارده تا به ایفای نقش در آینده بیانیدشد و آن را عملی سازد.

به‌علاوه امروزه مواجهه‌ی هوشمندانه با تغییرات، در عرصه‌های مختلف زندگی بشر امری اجتناب‌ناپذیر است. این تغییرات، علاوه‌بر تحت تأثیر قرار دادن تمامی ابعاد عملی و نظری زندگی انسان، با سرعتی تصاعدی روی می‌دهند. به‌عبارتی با نرخ تغییری فزاینده مواجه هستیم. در این میان، علم و به تبع آن فناوری که نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی بشر و ادامه حیات انسانی بر عهده دارند، علاوه‌بر تأثیرپذیری از این تغییرات جهان‌شمول و پرشتاب، بر سرعت روی دادن این تغییرات و نیز جهت‌گیری آنها مؤثرند. این ویژگی منحصر به فرد علم و فناوری، سبب شده است تا نیاز به رفتاری آینده‌نگرانه و هوشمندانه در مدیریت علم و فناوری و در نتیجه در پیش‌برد اهداف فردی، سازمانی و ملی، بیش از گذشته احساس شود. پس اگر ملتی و تمدنی بخواهد در آینده بازیگر اصلی باشد باید با اطلاع از ممکن‌ها و محتمل‌های آینده، آینده مطلوب خود را مشخص نماید (مظاهری، ۱۳۸۳) طراحی چنین آینده‌ای برآیندی از جایگاه آینده‌نگری در اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران است که در ذیل مروری بر آن خواهیم داشت.

۱- رویکرد به آینده در اسلام

دین اسلام با توجه به آموزه‌های درونی خود به یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین و امیدبخش‌ترین آینده‌های بشری معتقد است. با توجه به آموزه‌ای درون‌دینی، روند کلی تاریخ بشر به سمت خیر است، اما گاهی شر بر خیر غلبه موقتی دارد. اما در قطعه‌ی پایانی زندگی بشر یا همان آخرالزمان، غلبه‌ی نهایی خیر بر شر و حق بر باطل رقم می‌خورد و مردی از جنس مردان الهی و مأمور از جانب حق با کمک بسیاری از پیروان و ارادتمندان، باطل را به کلی محو و نظامی الهی و بسیار مطلوب را پایه‌گذاری می‌نماید که مطلوب تمام انبیا و اولیاست. اسلام مردم مسلمان را به ساختن چنین جامعه‌ی مطلوبی فرا می‌خواند و آنان را نسبت به جامعه، بی‌تفاوت رها نمی‌سازد. اما مسأله مهم این است که اعتقاد به آینده‌ای روشن که آرمان مشترک بشری به‌شمار می‌رود، تا چه میزان می‌تواند در انسجام‌بخشی فعالیت‌های دنیایی مفید واقع شود؟

در یک نگاه کلی می‌توان از جمله کارکردهای باور به آینده روشن را این چنین بیان کرد:

۱-۱- تقویت بعد فرجام‌گرایانه و تقویت آرمان‌گرایی

تا زمانی که انسان، مقصد عالی و نهایی خود را در نظر نگیرد و به آینده روشن نیندیشد و فرجام و عاقبت دنیا را فراموش کند قابلیت تحرک و تحول نخواهد داشت. اما در آموزه‌ی مهدویت به این نیاز انسان پاسخ درستی داده شده است و رفتارها و کوشش‌های او در جهت کسب تلاش در راستای رسیدن به این آینده روشن نهادینه می‌گردد. آموزه‌ی مهدویت واجد این خصوصیت ویژه و برجسته است و همه انسان‌ها را متوجه آینده روشن می‌کند. در نتیجه تقویت بعد فرجام‌گرایانه در زندگی در مسیر درست و واقعی زندگی قرار می‌گیرند (بهرروزلک، ۱۳۸۸: ۷۲) فراهم‌سازی مقدمات لازم برای ظهور منجی نهایی غایت مقدس و انسان‌گرایانه‌ای جذاب و در عین حال واقع‌گرایانه است که از منظر جامعه‌شناسی هر انسان طالب کمال و عدالت و آزادی و رفاه و امنیت را به سوی خود جذب می‌نماید.

۲-۱- امید به آینده و گذر از امیدهای واهی

امید به آینده یکی از نیازهای انسان امروزی است؛ چرا که در پرتو امید به آینده، حرکت و پویایی به وجود می‌آید و انسان را به پیشرفت و تعالی سوق می‌دهد. بنابراین امید یکی از عوامل مؤثر در تحرک تاریخ و بشر است (محمدتقی جعفری، ۱۳۷۸، ج ۲۷: ۲۸۵).

هدفمندی و آینده‌نگری از ویژگی‌های افراد سالم و برخوردار از سلامت روان است این افراد فعالانه در پی هدف‌ها و امیدها و رؤیای خویش‌اند و رهنمون زندگی‌شان معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ گاه پایان نمی‌پذیرد (دوآن شولتس، ۱۳۸۵: ۲۰) «ویکتور فرانکل» می‌گوید: شخصیت‌های سالم ویژگی‌های دیگری هم دارند؛ به آینده می‌نگرند و به هدف‌ها و وظایف آتی توجه می‌کنند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند (همان، ۱۶۶).

انتظار آینده‌ی بهتر و ظهور دولت حق و عدل، در طول تاریخ متمدنی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. فطرت کمال‌گرایی آدمی و ماهیت زندگی بشر با امید به آینده عجین شده است؛ لذا اعتقاد به مهدویت از اصیل‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد. باور داشت مهدویت و اعتقاد به وجود نجات‌بخش گیتی، به گروه و مذهب خاصی محدود نیست. نکته‌ی در خور توجه این است که «امیدبخشی» که از کارکردهای اجتماعی انتظار به‌شمار می‌آید، معنا تولید می‌کند؛ یعنی رفتارها و کنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به این معنا که کنش‌ها دارای معنا و مفهوم می‌شوند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۳۶) در پرتو کارکردهای امید بخشی است که سازمان اجتماعی شکل می‌گیرد.

البته امید با آرزو تفاوت دارد. امید با عقل بشر همراه و امکان‌پذیر است و به محال تعلق نمی‌گیرد؛ ولی آرزو، گاهی با عقل هماهنگ، و گاهی ناهماهنگ است؛ و خواسته‌اش غیرعقلایی و امکان‌ناپذیر است. از این‌رو، آرزو به محالات نیز تعلق می‌گیرد. در آرزو کردن، لزوماً حرکت، به سوی آن نیست؛ چرا که انسان می‌نشیند و آرزو می‌کند. بنابراین در آرزو، حرکت به سوی هدف وجود ندارد؛ ولی امید، با حرکت به سوی هدف همراه است (صدر، ۱۳۷۸: ۲۱). البته این پیش‌بینی حتمی و قطعی، اخبار غیبی از آینده‌ای روشن و فضیلت‌گون است و بر جبری بودن حرکت تاریخ دلالت ندارد. تنها وعده و بشارت حتمی الهی بر حاکمیت صالحان و حکومت جهان عدل و نابودی باطل است.

۱-۳- افق آینده اسلامی

شهید صدر در مباحث مبسوطی که پیرامون "سنت‌های اجتماعی" مطرح کرده، بُعد آینده‌نگری پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. آینده‌ای که با وجود ذهنی خود، حرکت‌آفرین است. این وجود ذهنی دارای دو عنصر است: اول، "چشم‌انداز" و دورنمایی که از هدف دارد و دوم، "آفرینش انگیزه" و اراده‌ای که انسان و جامعه را به سوی هدف برمی‌انگیزد. از ترکیب این دو، قدرت سازندگی آینده و نیروی محرک فعالیت اجتماعی فراهم می‌گردد و «همین وجود ذهنی، و محتوای درونی است که در حکم زیربنا بوده و روابط و ساختارهای روبنایی جامعه بر آن استوار می‌گردد».

روشن است که محور این ذهنیت و محتوای درونی، همان هدف آرمانی و وضعیت ایده‌آل است که ارتباط تنگاتنگی با معرفت و جهان‌بینی حاکم بر یک جامعه دارد. از نظر قرآن، این آرمان و هدف غایی تا جایی پیش می‌رود که می‌تواند برای آن جامعه تبدیل به «إله» گردد. و این «إله»، گاه طاغوت است، گاه اسطوره است و گاهی هم ارزش‌ها و هواهای نفسانی است، و برای برخی از جوامع نیز «الله» است. درحالی‌که، هدف غایی فقط خدا باشد، تمام خواسته‌ها، تلاش‌ها و آرزوهای بشر، رنگ و بوی خدایی می‌گیرد و انسان به تناسب پیشرفت خود در راه خداجویی و خداخواهی، لحظه‌به‌لحظه رشد می‌یابد، و چون خدا مطلق است، این راه نیز پایانی نخواهد داشت (صدر، ۱۳۷۹).

۲- آینده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با وقوع انقلاب اسلامی مبنی بر ارایه الگویی جدید از نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی ناگزیر از ترسیمی از آینده و ارایه تعریفی از هندسه کلی چنین نظامی منطبق بر آرمان‌ها و اهداف خود

می‌باشد. این هندسه کلی از جمله آینده در چارچوب قانون اساسی ارایه شده است. از آن‌جا که انقلاب اسلامی بازگشت به خویشتن و هویت واقعی بوده و مبتنی بر آموزه‌های دینی است، لذا در کلیه اسناد بالادستی به‌ویژه قانون اساسی، این معنا بسیار پررنگ و برجسته مورد عنایت قرار گرفته که هدف‌گذاری‌ها، و جامعه آینده باید معطوف به نظام واحد جهانی حول کلمه توحید و برافراشتن پرچم لاله‌الاله بر فراز کره ارض باشد.

در مقدمه قانون اساسی این‌طور آمده است: (انّ هذه امتکم امّّه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقدمه)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ترسیم مبانی برای پایه‌ریزی نظام اجتماعی در اصل دوم این‌گونه بیان می‌دارد:

جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به:

خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او؛ (اصل توحید)

وحی الهی و نقش بنیادی آن در برابر قوانین (اصل نبوت)

معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا؛

عدل خدا در خلقت و تشریح او؛

امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛

کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف) اجتهاد مستمر.....

ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیشبرد آنها... (اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

نکته مهم در ذیل بند ششم در ترسیم هندسه نظام اسلامی اشاره به اتکای اجرایی و اصول کلی نظام سیاسی ایران بر پایه اجتهاد به‌عنوان اصل پویایی، کارآمدی و روزآمدی و نظام نوآوری اندیشه شیعه، که عبارت از منتهای تلاش و کوشش برای فهم دقیق و عالمانه و استنباط احکام و قوانین اسلام از طریق منابع آن است (جعفرلنگرودی، ۱۳۷۲). استفاده از علوم و فنون پیشرفته؛ از آن‌جا که خودکفایی و خوداتکایی فضیلتی است که از جوهره‌ی وجودی جامعه سر می‌کشد. و راه رسیدن به این فضیلت و ارتقای توانایی‌های فنی و صنعتی است. که مبتنی بر اصل قرآنی «فبشر عبادي الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه» (زمر، ۱۷) می‌باشد؛ اصلی که بیان‌گر پویایی جامعه

است. اسلام با شعار قرار دادن عظمت علم و عالمان در برابر جهل و جاهلان (زمر، ۹) و حدیث شریف نبوی که علم را فریضه عمومی تلقی می‌کند، «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»، از این رو برای آموختن آن، قیود زمان و مکان را از پیش پای برمی‌دارد، «اطلبوا العلم ولو بالسنین»، البته در این شرایط است که «...ولن يجعل الله للكافرين علي مومنين سيلا» (انبیاء، ۱۴۱) خداوند تسلط کافران بر مسلمانان را نمی‌پسندد.

قانون اساسی با درک اهمیت این موضوع، در بند ب از اصل دوم «استفاده از علوم وفنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» را یکی از روش‌ها و دستورهای کلی آینده راهبردی نظام جمهوری اسلامی قرار داده است.

۳- بررسی آینده در آراء و دیدگاه‌های، امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری

و مطابق اصل ۱۱۰ برای رسیدن به اهداف و آرمان‌ها «تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام از وظایف و اختیارات رهبری است» (همان، اصل ۱۱۰). بر این اساس بررسی جایگاه نگاه به آینده و مبانی نگرشی آن در اندیشه رهبری در جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای در ترسیم آینده نگاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؛ تفکر مهدویت، نوعی از تفکر و نگرش‌های معطوف به آینده در حقیقت، رویکردی آینده نگرانه است. در این تفکر گذشته، حال و آینده‌ی جهان، حرکتی مستمر، پویا هدفمند و به‌سوی کمال ترسیم شده است. که هیچ‌گونه اعوجاج و احراف و ارتجاعی در آن نیست (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). پس به واقع هر نوع حرکت که در نظام هستی به سمت رشد و کمال و انسانیت مبتنی بر قوانین الهی صورت پذیرد، در تفکر مهدویت می‌گنجد. در سالیان درخشان پس از تأسیس نظام اسلامی، راهبری‌های داهیانه امام امت و رهبر معظم انقلاب این حقیقت را برای همگان تبیین نمود که آرمان ظهور موعود، مطلوب حقیقی دولت اسلامی می‌باشد. امام خمینی(ره) در سخنانی در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب در جمع اقشار مردم می‌فرماید: «من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی که نهضت ولی عصر - سلام الله علیه - است، متصل بشود» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۷۵). بر همین اساس، ایشان رسالت و آرمان نظام اسلامی ایران را، که خود مؤسس و بنیان‌گذار آن بود، تمهید شرایط و زمینه‌سازی انقلاب بزرگ امام عصر(ع) و مقدمه تحقق این مهم را صدور انقلاب و ایجاد حکومت جهانی اسلامی دانسته، در بیانات مختلف خویش دست‌اندرکاران نظام را نسبت به کوتاهی در برابر این هدف اساسی هشدار می‌دهد: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران، نقطه

شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند» (همان، ج ۲۱: ۱۰۸).

وقتی نگاه امام خمینی(ره) را به حوزه آینده مورد تعمق قرار می‌دهیم، بحث افق آینده جامعه و مهدویت را پیوند عمیق می‌دهند، فرهنگ جامعه را مبتنی بر مهدویت طراحی می‌کنند. امام(ره) نظام اسلامی را دولت ممهّد ظهور امام زمان (عج) تلقی دارند. امام خمینی(ره) عبادتی را که روح مهدویت در آن نباشد، و روح جامعه‌سازی مهدوی در آن دیده نشود را عبادت در فضای اسلام آمریکایی معرفی می‌کنند و حتی انتظار برای فرج برای آن گروه‌ها و اقشاری از جامعه که صرفاً در دعا خلاصه می‌کنند و حتی در آن امر به معروف و نهی از منکر و جهاد نفی می‌شود را اسلام آمریکایی عنوان می‌کنند. امام ضمن نقد تفکرات ناصواب برخی اشخاص و گروه‌هایی که با ترویج فساد و دوری از سیاست اصیل و عمیق اسلامی خواهان زمینه‌سازی ظهور می‌شوند و یا برخی قاعدین کوتاه نظر و ولایتی‌هایی که از تأیید نظام جمهوری اسلامی گریزان هستند. مبارزه با ظلم و فساد و استمرار راه صحیح نظام جمهوری اسلامی در سراسر جهان را زمینه‌ساز ظهور می‌داند و همگان را به اجرای آن فرا می‌خواند (همان، ج ۱۸: ۲۶۹).

اساساً دیدگاه‌ها و نظرات امام(ره) به‌عنوان شخصیتی است که از ابتدا تا رحلتشان آینده نگر بودند. امام انقلابی را به ثمر رساند، که مظهر عالی یک چشم‌انداز ملی بوده و دارای مراحل تکاملی تحولات سیاسی اجتماعی است. امام(ره) انقلابی را رهبری نمود که می‌توانست تبدیل به کودتا یا چیز دیگری شود. ایشان این انقلاب را حفاظت و حمایت نمود و از بحران‌های داخلی و بین‌المللی به سلامت عبور داد (عیوضی، ۱۳۸۶). اکرام اعظم - آینده‌پژوه پاکستانی -، امام خمینی(ره) را به دلیل نگاه بلندمدت و تلاش او برای شکل بخشیدن به تمدن اسلامی می‌ستاید و معتقد است برپایی آینده مطلوب جامعه نیازمند آینده اندیشمدانی چون امام خمینی(ره) است (اکرم اعظم، ۲۰۱۲).

پس می‌توانیم بگوییم امام در مقام رهبری و راهبرد تحولات در تمام دوران زندگی و مبارزات خود آینده‌نگری را در تمام سیاست‌گذاری‌های خود اعمال می‌کند.

رویکرد به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران... □ ۱۰۱

بر این مبنا وقتی شاخصه‌های نگرش آینده‌نگر و چشم‌انداز به آینده را بررسی می‌کنیم در اندیشه و عمل امام(ره) این چنین شاهدیم:

- تقدم تلاش بر نتیجه؛

- اولویت و تقدم تفکر بر عمل؛

- عمل‌گرایی و توجه به مقتضیات زمان و مکان، لذا زمانی در آغاز حرکت شاه را جدی نصیحت می‌کند و یا مثلاً در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اقدامی است که آینده‌نگری در آن موج می‌زند.

- تبدیل تهدیدها به فرصت و بهره‌گیری از فرصت‌های حادث شده و ایجاد فرصت‌های موفق و مثبت، مثل تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و تبدیل آن به فرصتی برای کشور؛

- آینده‌باوری و آینده‌محوری، در دهه چهل زمانی که از امام سؤال می‌شود با چه کسانی می‌خواهید حکومت فعلی را سرنگون کنید؟ ایشان پاسخ می‌دهد: سربازان ما هنوز در گهواره هستند. اساس انقلاب اسلامی، تحولی معطوف به آینده بوده است.

- ضرورت خوداتکایی اقتصادی؛

- توجه دایمی و قدرتمند به توان نظامی؛

- الگوشدن جامعه اسلامی برای دعوت جهان اسلام؛

- درک شبکه‌ای قدرت، در تفکر امام، درگیر کردن همه نیروها در صحنه مطرح بود. درک شبکه‌ای عمومی، غیر انحصاری و فراگیر بودن قدرت؛

- ابتکار و خلاقیت، آمریکا تهدید جدی علیه ایران دارد امام بلافاصله فرمان تشکیل ارتش بیست میلیونی را صادر می‌کنند.

- امام مدیریتی پویا دارد. لذا اولین کسی است که از تغییرات اطراف با خبر می‌شدند.

- پیوندی آگاهانه و دوسویه با مردم داشتن، بدون هیچ تکبری مردم را ولی نعمت و خود را خدمت گذار مردم می‌داند.

بر این اساس با تأمل در اندیشه امام ترسیم آینده نهضت اسلامی در دو مرحله پیش از پیروزی و

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دو موضوع خاص به‌ویژه به چشم می‌آید:

الف: دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر محوریت نظریه ولایت فقیه:

حرکت امام خمینی(ره) در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه‌ی ولایت فقیه به عنوان نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت ولی عصر(عج) شکل گرفت. امام این نظریه را در سال ۱۳۳۲ در کشف‌الاسرار مطرح و در سال ۱۳۴۸ به تفصیل در درس فقه ذیل بحث بیع در نجف اشرف تبیین کردند. بر مبنای این نظریه که از مبانی اصیل اسلامی و از متن آیات روایات برخاسته

است، فقها در منصب نیابت عامه ائمه معصومین در عصر غیبت وظیفه اداره و هدایت امور سیاسی و اجتماعی را بر عهده دارند و از این طریق، زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی (عج) و آماده‌سازی جامعه برای حرکت به سوی جامعه عدل مهدوی خواهد بود (اصغرافتخاری، ۱۳۸۹).
امام خمینی(ره) در این کتاب مواردی را به‌عنوان دلایل تشکیل حکومت اسلامی ذکر می‌کند که عبارتند از:

با ذکر مقدماتی می‌گوید: «اکنون که دوران غیبت است و از طرفی بناست احکام اسلامی اجرا شود و از طرف دیگر از طرف خداوند کسی برای اجرای تعیین نشده است، تکلیف چیست؟» سرانجام پس از بررسی موضوع چنین نتیجه می‌گیرد که «خداوند خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان امام عصر(ع) موجود بود برای دوران غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است... و بعد به این مطلب اشاره دارند که این ولایت «واقعیتی جز جعل ندارد» و فی حد ذاته شان و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام است» (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، ۱۳۷۳).
از منظر نگاه به آینده و زمان طرح چنین مباحثی نشان از افق بلند آینده‌نگری امام(ره) در طراحی نقشه راه و بیان روشن افق نهضت اسلامی است.

ب: دوره ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ بر محوریت گفتمان مهدویت و دولت م مهد ظهور: مطابق شاخصه‌های ارایه شده از عمل و اندیشه امام و آینده‌نگری، همه مبارزات و تلاش‌های جاری را مقدمه‌ای برای یک آینده متعالی و مهد وصول به آینده آرمانی می‌داند. در نگاه امام حکومت به‌عنوان امانت الهی و صاحب آن حضرت حجت(ع) است و در راستای حفظ و تقویت آن باید کوشش کرد. چشم‌انداز انقلاب اسلامی، تحقق جامعه مهدوی است. و انقلاب اسلامی و به دنبال آن جمهوری اسلامی، تنها مرحله‌ی گذار برای تحقق جامعه‌ی موعود به‌شمار می‌رود. که در حکم نقطه آغاز در زمینه‌ای مهم برای حرکت به سمت برپایی ظهور تلقی می‌شود.

امیدوارم که ان‌شاءالله این روحیه اسلامی باقی باشد، این کشور ما به صاحب اصلی او، امام زمان(عج) تحویل بدهیم و ملت را تسلیم ایشان کنیم (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۱۸۳).
امیدوارم که این انقلاب جهانی شود و مقدمه‌ای بر ظهور حضرت بقیه‌الله باشد (همان، ج ۱۶: ۱۳۱ و ج ۱۵: ۳۸۵ و همان ج ۲۱: ۱۲).

و این کشوری که کشور ائمه هدی(ع) و کشور صاحب‌الزمان است، کشوری است تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه دهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد

رویکرد به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران... □ ۱۰۳

(همان ج ۱۴: ۳۰۹). [و به علاوه برای نمونه همان، ج ۱۵: ۱۳۸ و ج ۱۹: ۸، ۲۰۹، ۳۴: ۱۹ و ج ۱۹: ۴۷۶ و ج ۲۱: ۳۲۷ و ج ۱۹: ۲۰۹ و ج ۱۸: ۴۷۲ و ج ۱۶: ۳۲۳ و ج ۱۵: ۱۷۴ و ج ۸: ۳۸۴].

امام با نگرشی امانت‌دارانه و مبنی بر آینده‌نگری این گونه توصیه دارند که: ما مکلفیم تا علاوه بر این که وضع فعلی را حفظ کنیم، نگهبان آینده نظام و اسلام باشیم. ما باید پایه گذار خوب آینده باشیم (همان، ج ۱۹: ۴۲).

ما باید همه چیز را به همان قوتی که امروز دارد، تحویل دسته بعد بدهیم، و آن‌ها هم کوشش کنند که به همان قوت تحویل دسته بعد دهند. ما باید بنیان را محکم کنیم و به دسته بعد بدهیم تا پیش خدا مقصر نباشیم (همان ج ۱۸: ۲۴۲).

شما الان امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانت‌داری این است که آن را به‌طور شایسته حفظ کنید و به‌طور شایسته به نسل آینده و دولت‌های آینده تحویل بدهید (همان ج ۱۸: ۷۹ و همان، ج ۱۶: ۱۳۰-۱۲۹).

آینده‌نگری و به‌عبارتی ساختن آینده در اندیشه و عمل امام از اساسی‌ترین موضوعات اسلام اصیل و ناب به‌شمار می‌آید. پس ضمن برطرف نمودن کاستی‌ها و نقاص گذشته، آینده باید جامعه‌ای در تراز و در خور جامعه ممه‌د ظهور حضرت ولی عصر (عج) و مرضی رضای آن حضرت باشد و از این منظر است که انقلاب اسلامی در حرکت مستمر و پایان‌ناپذیر خود و نظام مردمی برآمده از آن، رسالت سترگ «دولت زمینه‌ساز ظهور موعود نجات‌بخش» را عهده‌دار شده و فصلی جدید را در تاریخ حرکتی که بنیان‌گذار آن انبیای عظام بودند گشوده است.

در ادامه مسیر رهبر معظم - به واقع ادامه همان نگرش امام (ره) به آینده - معتقدند: «باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ‌گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه‌ای از این هدف‌ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف‌های انقلاب ادامه دهیم» (بیانات، ۶۸/۵/۱۸).

روال کار بایستی تداوم و استمرار سیاست‌های کلی باشد که مجموعه‌ی نظام آن را برای آینده نظام تصویر کرده است (بیانات، ۸۳/۶/۴).

مقام معظم رهبری یکی از مؤلفه‌های کارساز و راهبردی رسیدن به قلمرو بلند نظام اسلامی را حرکت در مسیر تعیین شده امام خمینی (ره) می‌داند:

راه امام راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و بر توفیق الهی ادامه خواهیم داد (بیانات، ۸۴/۳/۱۴). فرض این است

که آن خط اصیل اسلامی و ناب قرآنی که همان خط انقلاب اصیل و خط امام ماست حفظ شود (بیانات، ۶۸/۸/۲۱ و بیانات، ۶۸/۳/۲۴).

رهبری موفقیت در مسیر انقلاب را تحقق هویت دینی می‌داند:

ما هر جا موفق شدیم ناشی از تبعیت از اسلام بوده، هر جا ناموفق ماندیم ناشی از سرپیچی از اسلام بود (بیانات، ۸۱/۱۰/۱۹).

ایشان در تبیین مدل توسعه برای نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی ایرانی و برخاسته از ایده‌های انقلابی چنین ترسیم می‌کنند:

تصور اینکه سازندگی کشور با تعقیب هدف‌های انقلاب منافات دارد تصویری متعلق به دشمنان است؛ دوستان اشتباهاً این حرف را تکرار می‌کنند. ارزش‌های انقلاب این کشور را باید آباد کند و بسازد؛ این دو با هم هستند؛ حفظ ارزش‌ها و شعارهای اصیل انقلاب در کنار سازندگی و آبادانی و به سر و سامان رساندن کشور. خطبه نماز جمعه، ۶۸/۱۱/۱۹ و پیام چهلمین روز رحلت امام(ره)، ۱۳۶۸/۴/۲۲.

مقام معظم رهبری نهادینه‌سازی ارزش‌های به‌دست آمده در طول انقلاب و بعد از آن را برای رسیدن به جامعه مطلوب ضروری می‌داند:

ما در اول راهیم آن تصویری که از جامعه اسلامی در ذهن ماست با وضع کنونی ما فاصله‌ی زیادی دارد. ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی برداریم... اولین و مهم‌ترین کاری که پیش روی ما قرار دارد تحول معنوی و روحی انسان‌هاست، ما متأثر از تربیت‌های طولانی غیراسلامی هستیم، آنچه که هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه بود، اما تا این پدیده عمق پیدا نکند تا وقتی که اعماق و ضمائر را متحول نماید کار زیادی لازم است (بیانات، ۶۹/۳/۱۴). آینده این حرکت به این ترتیب خواهد بود که هر جا معنوی عمیق‌تر و خالص‌تر و سالم‌تر و منطبق‌تر با فطرت بشر باشد، جاذبه بیشتری برای ملت‌ها خواهد داشت (بیانات، ۶۸/۱۰/۴).

مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارد اعتقادات و ایمان این مردم یک مدل کاملاً بومی و مختص به ملت ایران است و از هیچ جا نباید تقلید کرد (بیانات، ۸۳/۳/۲۷).

رویکرد به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران... □ ۱۰۵

ابلاغ سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ مصدافی گویا از نگاه به آینده و آینده‌نگاری راهبردی در نگاه به افق آینده در نگرش و اعتقاد مقام‌عظم رهبری است (متن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) که البته بررسی و تحلیل سند چشم‌انداز، در مجالی مستقل و ویژه به آن پرداخت.

از دیدگاه امام و رهبری فردای بهتر در بازگشت به اصالت‌های انسانی و احیای اخلاقیات فراموش شده‌ی امروز جامعه جهانی است. و نظام جمهوری اسلامی باید به‌عنوان یک جامعه دینی پویا دستیابی به چنین آینده‌ای را وجهه همت خود قرار دهد.

۴- آینده علمی نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام و رهبری

همان‌گونه که در بیان مسأله اشاره شد، در عصر جدید علم و به تبع آن فناوری که نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی بشر و ادامه حیات انسانی بر عهده دارند، علاوه بر تأثیرپذیری از این تغییرات جهان‌شمول و پرشتاب، بر سرعت روی دادن این تغییرات و نیز جهت‌گیری آنها مؤثرند. این ویژگی منحصر به فرد علم و فناوری، سبب شده است تا نیاز به رفتاری آینده‌نگرانه و هوشمندانه در مدیریت علم و فناوری و در نتیجه در پیش‌برد اهداف فردی، سازمانی و ملی، بیش از گذشته احساس شود.

از این رو امام(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره تأکید خاصی بر کسب علم و به تبع برای دانشجویان و دانشگاهیان داشته‌اند. امام رهبری بصیر و دوراندیش بود که افق نگاه نافذش به رسالت آینده در هدایت و راهبرد جهان اسلام نظر داشت و در این چشم‌انداز دانشگاه نقش و اعتباری کم نظیر برای تربیت متخصصان متعهدی دارد و به روشنی هر چه تمام‌تر به نقش عنصر «علم، آگاهی و فناوری» در مناسبات فعلی و جهان آینده وقوف داشت به اهمیت دانشگاه در دستیابی به این ابزار حیاتی و رمز حضور موفق در نبرد ملت‌ها واقف بود؛ لذا تأثیر این قشر آینده‌ساز را در سعادت و شقاوت جامعه بسیار مهم می‌داند:

دانشگاهی یک عضو مؤثری است که ما فردا همه چیزمان دست آنهاست. اگر ایران بخواهد یک سعادت‌ی پیدا کند با دست آنها سعادت پیدا می‌کند، اگر خرابی هم پیدا کند به دست آنها خرابی پیدا می‌کند (همان، ج ۷: ۴۱۲).

رهبری نیز دانشجویان را به آمادگی برای ساختن فردایی روشن فرا می‌خواند:

جوانان دانشجو در محیط‌های دانشگاه به درس و علم و روحیه انقلابی، حداکثر اهمیت را بدهند. جوانان ببینند امروز و آینده چه قدر به وجود آنها احتیاج است. خودشان را برای آینده بسازند (بیانات، ۶۹/۵/۲۴).

امام خمینی(ره) توجه به نخبگان را مهم‌ترین عامل استقلال و خودکفایی می‌داند: وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسایل گوناگون بها دهیم (همان، ج ۱۶: ۹۹).

بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است که چه در نسل حاضر و چه در نسل آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار کنند (همان، ج ۲۱: ۴۱۷).
تریسمی از مبنای نظری آینده پیشرفت علمی در نگاه امام و رهبری:

در یک جمع‌بندی کلی امام خمینی(ره) در حوزه پیشرفت علمی و ترسیم آینده علمی ایران و نظام اسلامی قایل به «نظریه تربیت اسلامی» به‌عنوان مبنایی‌ترین زیر بنا در حرکت به سمت قله‌های پیشرفت، توسعه و سعادت انسانی می‌باشد. و رهبر معظم بر همین مبنای «نظریه تولید علم» در بستر جنبش نرم‌افزاری را مطرح نموده‌اند (احمدامید، ۱۳۹۲) که در ذیل به ترسیم اجمالی آن می‌پردازیم:

الف: نظریه تربیت اسلامی:

امام خمینی(ره) پیش از آن که سیاست‌مداری قاطع و انقلابی باشد، یا به‌عنوان مرجعی تام، مرجعیت و زعامت دینی را معنایی تازه بخشد، مربی بزرگ و معلم نمونه بود که توانست با دریافتی عمیق و ژرف از مبانی تعلیم و تربیت الهی، در میدان سخت مجاهده‌ی نفس، خود را بیازماید و مراحل سیر و سلوک را با موفقیت پشت سر گذارد، و نیز به تربیت نسلی که بار اصلی انقلاب را بر دوش می‌کشد، همت گمارد.

و بر همین اساس، غایت و فلسفه بعثت را تربیت بشر معرفی فرمود:

« انبیا هم که آمده‌اند از طرف خدای تبارک و تعالی برای همین تربیت بشر و برای انسان‌سازی است... اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده‌ی تمام عالم است و انبیا آمده‌اند برای این که این عصاره‌ی بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی بشود. این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در او است و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است» (صحیفه، نور، ج ۱۴: ۱۵۳).

و تربیت‌گریزی را بسیار جدی می‌شمرد:

«گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم، تربیت نشده‌ایم. عالم شدند، تربیت نشدند، دانشمند شده‌اند، تربیت نشده‌اند، تفکراتشان عمیق است لکن تربیت نشده‌اند و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می‌شود، آن خطر از خطر مغول بالاتر است» (همان: ۳۹۱).

منزلت و رسالت دانشگاه در نظریه تربیت

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند» (همان: ۶۱).

این فراز از سخنان حضرت امام خمینی (ره) به‌خوبی اهمیت و جایگاه والای دانشگاه را نشان می‌دهد. متناسب با این جایگاه، امام خمینی (ره) رسالت و وظایفی را برای دانشگاه متصور می‌شوند که از خلال سخنان ایشان قابل استخراج است (تبیان، ۱۳۷۷، فصل چهارم رسالت دانشگاه) و وظایف دانشگاه از منظر امام خمینی (ره) در ۳ مقوله جای می‌گیرند:

اول: انسان‌سازی

دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور

سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

که در ادامه به توضیح مقوله انسان‌سازی می‌پردازیم.

اول: انسان‌سازی

بنا به تعبیر امام خمینی (ره): «ما انسان دانشگاهی می‌خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش... انسان حاضر نمی‌شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی‌شود که تحت ذلت برود و اسارت. آنها هم از انسان می‌ترسند» (همان، ج ۳: ۴۱۷).

دانشگاه انسان‌ساز بدون تردید نیازمند ۲ رکن انسان‌ساز استاد و دانشجو است. کارگرانی که هر یک سهم ویژه‌ای در تحقیق این رسالت دانشگاه دارند:

(۱) اساتید دانشگاه و انسان‌سازی

حضرت امام (ره) ابتدا با خاطرنشان نمودن جایگاه مهم اساتید دانشگاه، به تبیین و تشریح وظایف آنان می‌پردازند. از منظر ایشان اساتید باید سایه انبیاء با شند و متناسب با آن مسئولیت نیز زیاد می‌گردد. مهم‌ترین مسئولیت اساتید نیز انسان‌سازی است (همان، ج ۱۴: ۲۹۲).

تربیت افرادی متعهد و متخصص برای جامعه؛ در این راستا می‌توان به این فراز از سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی اکتفا کرد که «امیدوارم با کوشش اساتید و معلمان، وضع به‌صورتی در آید که دوره درسی‌اش تمام شد، فردی متعهد باراً مده، فردی که بداند برای کشورش خدمت کند و کاری به رضایت کشورهای بیگانه نداشته باشد» (همان، ج ۱۹: ۲۲۲).

۲) دانشجویان و انسان‌سازی

یکی از انتظارات امام خمینی(ره) در بعد انسان‌سازی از دانشجویان، تزکیه نفس است، شاید بتوان این امر را بدین صورت تعبیر نمود که دانشجو با توجه به رسالتی که در جامعه بر عهده دارد، ضروری است در مرحله نخست درون را بنگردو نفس خویش را مهار کند. لذا که حضرت امام(ره) خطاب به دانشجویان می‌فرماید: «کوشش کنید که هر قدمی که برای علم بر می‌دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوی در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان‌شاءالله بیرون می‌آیید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانت دار باشید..... نفس خود را مهار کرده باشید» (همان، ج ۹: ۳)

همچنین ایشان خطاب به دانشجویان می‌فرماید: «کوشش کنید که در این دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها که هستید، ایمان را در خود تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافت‌مند می‌کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می‌شوید به حق تعالی» (همان، ج ۱۲: ۴۰۳).

در این مقام شناخت اصولی اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیایی بزرگ است ضروری می‌نماید (همان، ج ۳: ۳۲۶).

قدر مسلم پس از کشف نفس و تزکیه درون، مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه مطرح می‌گردد. امام خمینی(ره) در جایی، بیدارسازی خفتگان را خاطرنشان می‌کنند: «بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار بر انگیزانید و با فاش کردن خیانت‌ها و جنایت‌های استعمار گران و پیروان بی فرهنگ آنها، غفلت زده‌ها را آگاه نمایید» (همان، ج ۲: ۱۴۲).

برای آگاه‌سازی ملت‌ها می‌فرماید: «بر شما جوانان ارزنده اسلام، که مایه امید مسلمین هستید، لازم می‌باشد که ملت‌ها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمان سوز استعمار گران را برملا نمایید (همان، ج ۲: ۱۴۲).

ب: نظریه تولید علم:

رهبری معظم در ترسیم آینده علمی ایران اسلامی با طرح موضوع جنبش نرم‌افزاری مطلوب آینده علمی را در مسیر مقوله تولید علم ترسیم می‌نمایند. ایشان در تبیین تولید علم بیانات بسیاری دارند که از جمله می‌توان اشاره داشت:

تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب

آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم است. البته برای «نوآوری علمی» - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است...

البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می‌بینیم. آدم‌های ناوارد بدون این که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است... مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند. خوشبختانه من این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم (بیانات جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۰۹/۱۲/۱۳۷۹).

آیت‌الله خامنه‌ای تولید علم و نوآوری‌های علمی را هدف اصلی ایجاد جنبش نرم‌افزاری دانسته و تأکید دارند بر اینکه: در علم و تحقیق به ترجمه و فراگیری اکتفا نکنید و در مراکز علمی، تولید دانش را هدف اساسی خود قرار دهید.

ایشان برای مقابله با تلاش دارندگان دانش جهانی را برای انحصاری کردن علوم و فنون پیشرفته، می‌فرمایند: باید ایران را از محاصره‌ای که کشورهای جهان سوم در آن گرفتار آمده‌اند خارج کنیم و خود را به کاروان پیشرفت علم و دانش برسانیم. برخلاف تلاش‌های بیگانگان برای القاء حس ناتوانی در ملت ایران، احساس "توانایی، اعتماد به نفس و اتکای به خود" در ملت ایران در حال شکل‌گیری و تعمیق است.

زمینه‌سازی و اداره شایسته روند شکوفایی علمی کشور، وظیفه مهمی است که بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارتخانه‌های «علوم تحقیقات و فناوری - بهداشت درمان و آموزش پزشکی - آموزش و پرورش» و مدیران دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی قرار دارد.

ایشان با انتقاد از برخورد منفعل با نظریه‌های غربی در مورد اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم سیاسی خاطرنشان کردند: مفاهیم و مبانی اساسی حقوق، سیاست، اقتصاد و سایر علوم

انسانی در اسلام وجود دارد و استادان متعهد دانشگاه‌ها و علمای حوزه‌ها می‌توانند با نظریه‌پردازی و نوآوری علمی در این عرصه‌ها، به حرکت عمومی کشور کمک کنند (دیدار استادان و فرزندان علمی و دانشگاهی (۰۸/۰۸/۱۳۸۲).

آینده ملت ایران در پرتو اتکاء به هویت حقیقی حرکت امام راحل عظیم‌الشان یعنی اسلامی بودن، مردمی‌بودن، و نوآوری‌های متکی بر اسلام بسیار درخشان‌تر از گذشته است... اسلامی بودند، مردمی بودن و برخوردار از ابتکار و نوآوری اسلامی، سه نقطه اصلی حرکت مبارک امام است که نباید هیچ‌گاه فراموش شود. مجاهدت همیشگی در راه خدا، راز قدرت معنوی امام ره است (سالگرد ارتحال بنیانگذار انقلاب، ۱۴/۰۳/۱۳۸۶).

باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم می‌دانم مغز و فکر ایرانی آن را دارد، به کار بیندازیم. راه‌های میابنر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود... (بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی (۲۲/۰۲/۱۳۸۲).

پیش‌فرض‌های پیشرفت علمی در نظریه تولید علم

پیشرفت‌های علمی بر توانایی کشورها در زمینه‌های مختلف تاثیر می‌گذارد این واقعیت در دوره کنونی که عصر انفجار اطلاعات نام گرفته، بیش از هر زمان دیگر مشهود است به عبارتی عدم پیشرفت علمی، به معنای عقب ماندگی و توسعه‌نیافتگی کشورهاست. لذا مقام معظم رهبری بر پیشرفت علمی در کشور تأکید دارند و پیش‌فرض‌هایی را برای آن بر می‌شمارند:

۱- پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور است.

پیش‌فرض اول پیشرفت علمی از نگاه رهبر معظم انقلاب این است که پیشرفت علمی را ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف بدانیم. با این دیدگاه می‌توان به پیشرفت دست یافت.

۲- نباید ما در مسأله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم.

برخی از جوامع اسلامی، برای رسیدن به کاروان توسعه جهانی، با شتاب‌زدگی عمل کردند و در پی آن، بسیاری از هنجارهای فرهنگی آنها تغییر کرده و یا متزلزل شد. با مطالعه دقیق تاریخ و تجربیات جوامع اسلامی می‌توان به این باور رسید که توسعه این کشورها، تنها از درون این جوامع و با توجه به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی اسلام امکان‌پذیر است.

بنابراین مقام معظم رهبری پیش فرض دوم پیشرفت علمی را در عدم وابستگی به غرب در تولید علمی می‌دانند و می‌فرمایند:

«پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست. بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله‌ی بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۷/۳).

۳- خودباوری مقدمه موفقیت علمی

بدون خودباوری، کسی وارد میدان تلاش برای نوآوری در علم و فناوری نمی‌شود و ترجیح می‌دهد از دستاوردهای دیگران استفاده کند.

ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد» (همان، ۱۳۸۷/۷/۳).

۴- «خطرپذیری» و «سخت‌کوشی» دو عامل تاثیرگذار در پیشرفت‌های علمی
ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«در این حرکت، تنبلی و تن‌آسائی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میدانین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده» (همان، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

آنچه مقام معظم رهبری تحت عنوان خطرپذیری مطرح می‌نماید، به معنی نهراسیدن از عدم موفقیت و حرکت به جلو است. ایشان شرط پیشرفت را، شجاعت و شهامت علمی می‌داند و می‌فرماید:

«نقطه مقابل خطرپذیری، ترس است. ترس از چه؟ ترس از عدم موفقیت، وارد نشویم که مبدا موفق نشویم، حرکت نکنیم که مبدا نرسیم، اقدام نکنیم که مبدا موردقبول قرار نگیرد یا برای ما مشکلات ایجاد کند، اینها همه‌اش نقطه مقابل خطرپذیری است» (همان، ۱۳۸۷/۷/۳).

بنابراین، برای پیشرفت در عرصه دانش، باید خطر شکست‌های مقطعی را پذیرفت و ناامید نشد.

عامل دیگر موفقیت‌های علمی، تلاش فراوان، سخت‌کوشی و جدیت است. اصولاً موفقیت و پیشرفت با راحت‌طلبی و تنبلی ناسازگار است. «نگذارید تنبلی و راحت‌طلبی و تن دادن به زندگی دور از مشکل، شما را وسوسه کند. اگر این حالت تنبلی وجود داشت، هیچ‌کدام از این کشفیات مهم علمی به‌وجود نمی‌آمد. شرح حال این کاشفان و مخترعان بزرگ را ببینید، چطور خواب را بر خود حرام کردند، سختی‌ها را برای خود هموار کردند، با مشکلات ساختند و رفتند تا به نقطه اصلی در پیشرفت رسیدند» (همان، ۱۳۸۷/۷/۳).

بر این اساس می‌توان نظریه تولید علم در نگاه رهبری را در روند ذیل ترسیم نمود:

الف) فراگیری علوم غربی و پرهیز از تقلید،

ما به هیچ وجه نگفتیم که داشته‌های غربی را که زمینه‌های گوناگون علوم انسانی و پیشرفت‌های چند قرنی زیادی داشتند، یاد نگیریم یا کتاب‌های این‌ها را نخوانیم، ما می‌گوییم تقلید نکنیم (۹۰/۵/۱۹).

ب) تلفیق:

تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی؛ اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن و جو زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم. ببینید در علوم انسانی، تفکر و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید (۸۴/۹/۲۹).

ج) تهذیب؛

د) نظریه‌پردازی؛

بنشینید فکر کنید، نظریه‌پردازی کنید، از موجودی این دانش‌ها استفاده کنیم برآن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که از الزامات پیشرفت است (۸۸/۲/۲۷).

ه) تولید علم؛

باید فراگرفت اما نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود، باید علم به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار روشمندی و ضابطه دارد (احمد امید، ۱۳۹۲).

در جمع بندی جایگاه آینده در اندیشه امام رهبری می‌توان گفت:

طراحی آینده و هدف‌گذاری‌های امام و رهبری از عمق درایت، هوشیاری و امیدواری به آینده و اعتقاد به الهی بودن این انقلاب حکایت می‌کند زیرا این یک وعده قرآنی است که فرموده:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتما آنان را جانشین (خود) قرار دهد. همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند» (نور، ۵۵).

از این‌رو امام و رهبری به آینده کاملاً امیدوار بودند و ضمن نگرانی از برخی نارسایی‌ها و دغدغه‌ها از کثر راه‌ها و آسیب‌هایی که مسیر تکاملی انقلاب را تهدید می‌کند، افق نظام و انقلاب را روشن می‌دیدند و یاس را که از جنود شیطان است طرد می‌کردند و از مدیران و اصحاب رسانه می‌خواستند که با تمام توان و امکانات و کارکردهای مثبت خود افق آینده را در چشم مردم روشن ترسیم کنند و روح امید باور و خوداتکایی و خود باوری را برای رسیدن به آن قله‌های رفیع بدهند و این بزرگ‌ترین خدمت به انقلاب اسلامی و نظام مردم‌سالاری دینی است. که امید آنکه این رهنمود و بایسته‌های امام و رهبری در موضوع الزامات آینده انقلاب اسلامی مسئولیت مدیران را برای برافراشته نگاهداشتن پرچم پرافتخار انقلاب و هراست و حفظ و تحویل آن به نسل فردا بازشناسد.

حسن ختام این بخش را به گفتاری از امام خمینی (ره) که لبریز از امید و ترسیم‌گر راه دستیابی به آینده درخشان نظام جمهوری اسلامی است قرار می‌دهیم:

من امیدوارم که به یمن برکت حضرت صاحب - سلام الله علیه و روحی فداه - این کشور، کشور پیشرفته‌ای بشود، از حیث اخلاق، از حیث دیانت، از حیث معنویات و از حیث همه چیزها، و مادیات و همه چیز. و بحمد الله ما هر روزی را که می‌گذرانیم از روز سابق برای ما بهتر است (همان، ج ۱۸: ۳۹۶).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی با همه‌ی اصول و مبانی ارزشی امروزه در جهان با اقتدار تمام موجب تحولات عظیمی گردید است و نام این انقلاب به عنوان قدرت تحول ساز و مقتدر مطرح است. مروری بر تحولات بعد از پیروزی تا کنون شاهد مثال‌های ارزنده‌ای است. با توجه به چنین موقعیت ممتاز انقلاب و رسالت این انقلاب بر پایه اعتقادات و باورها، رسالتی آینده نگرانه با مختصات دینی و مهدوی ضروری است. لذا باید چشم‌انداز دراز مدتی را در دستور کار داشته باشد. عدم توجه به

آینده به منزله بی‌توجهی به اصول اولیه دینی و وحیانی به تعبیر این پژوهش "اسناد بالا دستی" انقلاب اسلامی است. بدیهی است ورود به عرصه آینده‌نگاری برای انقلاب اسلامی با اهداف و آرمان‌های ذکر شده اساساً اقدامی ضروری و اساسی می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، صحیفه نور، دوره ۲۲ جلدی، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، تبیان؛ دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی، دفتر چهارم، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ولایت فقیه، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. آیت‌الله خامنه‌ای، مجموعه بیانات و پیام‌ها، ذیل عناوین علم، فناوری و تولید علم
سایت: www...if
۶. امید احمد، ۱۳۹۲، نظریه تربیت و تولید علم در اسلامی سازی علوم، سمینار آینده‌پژوهی اسلامی، تهران مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۷. افتخاری اصغر و همکاران، ۱۳۸۹، نظریه امانت امام خمینی (ره) و چشم‌انداز انقلاب اسلامی در پرتومهدویت، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۵.
۸. الویری محسن، ۱۳۹۲، معنا و مفهوم آینده پژوهی اسلامی، سمینار آینده پژوهی اسلامی، تهران مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۹. بهروز لک غلامرضا، ۱۳۸۸، سیاست و مهدویت، قم، موسسه آینده‌پژوهی.
۱۰. بهروز لک و میرشاه ولایتی، ۱۳۹۰، جهان اسلام از منظر دو آینده پژوه مسلمان؛ سردار و الماجرا، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۹.
۱۱. جعفری محمدتقی، ۱۳۷۸، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد ۲۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.

رویکرد به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران... □ ۱۱۵

۱۳. ربانی محمدصادق، ۱۳۸۵، بررسی کارکرد اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام در ایران معاصر، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۴. سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴، ابلاغی مقام معظم رهبری به سران قوا، دفتر مقام معظم رهبری، نامه شماره ۵۷۷۵/۱ مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۲.

۱۵. شولتس دوآن، ۱۳۸۵، روان شناسی کمال؛ الگوی شخصیت سالم، مترجم گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان.

۱۶. صدر سیدرضا، ۱۳۷۸، راه مهدی (عج)، به اهتمام سیدمحمدباقر خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.

۱۷. صدر محمدباقر، ۱۳۷۹، سنت های تاریخ در قرآن، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه لشهد صدر.

۱۸. عیوضی محمدرحیم، ۱۳۸۶، پیش نیازهای سیاسی - امنیتی برای تحقق سند چشم انداز، فصلنامه توسعه اقتصادی، شماره ۹.

۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، چاپ پنجم، تهران موسسه اطلاعات.

۲۰. مظاهری محمد، ۱۳۸۲، امکان طول عمر تا بی نهایت، قم، نشر ارغوان دانش.

۲۱. گودرزی، ۱۳۸۶، تصمیم گیری استراتژیک؛ مطالعه موردی موعودگرایی شیعه، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۲. یونیدو، ۱۳۹۱، راهنمای آینده نگاری فناوری، ترجمه سونیا شفیعی اردستانی وهمکاران، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم وفناوری های دفاعی.

23. Bell,W,(2003) Foundation of futures studies (2th ed.),New jersey:Transaction publishers.

24. Godst.M.,Durance,ph.(2011) Strategic foresight corporate and regional development,DUNOD.